

# یغما

شماره مسلسل ۲۰۰

سال هفدهم

اسفند ماه ۱۳۴۳

شماره دوازدهم

دکتر جعفر شعاع

## بخشی درباره رسم الخط

در شماره‌های اخیر مجله محترم یغما مطالبی راجع به رسم الخط درج شده بود (بخصوص مقاله‌ای که خود آقای یغمائی نوشته بودند) که درخور توجه کامل است. استادان محترم دانشگاه و اهل فن نظریات خود را در این مورد نوشته‌اند<sup>۱</sup> و این نشانه آن است که چگونگی تحریر کلمات نباید ساده تلقی شود و جای آن است که بیش از این مورد بحث قرار گیرد؛ از این رو نگارنده پیشنهاد می‌کند که موضوع رسم الخط به نظر آزمایشی گذاشته شود تا بارعایت اصول و رسوم گذشته تا آنجا که خردمندان و قابل اجرا باشد - آیین نیکو مقرر گردد و ضابطی استوار بدست آید.

اشکال بزرگی که هم اکنون پیش آمده، متصل یا منفصل نوشتن ترکیبات است، حقیقت امر این است که در گذشته کوچکترین توجهی بدین مسئله نشده، و ذوق

۱ - به سبب همین تذکار استادان، به دستور وزارت فرهنگ کتابهای درسی سال آینده بر طبق رسم خط عرف معمول و با رعایت هم آهنگی کامل چاپ می‌شود.

کاتبان و رعایت حسن خط و زیبایی از یک سو، و بی بند و باری و مسامحه کاری از سوی دیگر، خط فارسی را از مسیر اصلی منحرف کرده و دشوارتر ساخته است، تا آنجا که برخی معتقد به تغییر الفبای فارسی به لاتین شده‌اند بگمان اینکه مشکل را حل خواهند کرد غافل از آن که هزاران مشکل دیگر به مشکلات موجود افزوده می‌شود، زیرا اگر با این نابسامانی و بی بندوباری که در نوشته‌ها و چاپ کتابها راه یافته است اگر الفبای لاتین باشد دشواری‌ها صدچندان خواهد شد، حروفچینی که قاموس را ناموس می‌چیند طبعاً در الفبای لاتین هم Afsār (افسار) را Afsar (افسر) خواهد چید و مثلاً در کلمه پایان به جای ا حرف ا خواهد گذاشت و آن را تبدیل به یالان خواهد کرد. و نیز کلمه‌های مستقل را چسبیده خواهد نوشت.

باید توجه کرد که دشواری مهم خط فارسی، داخل نبودن اعراب در میان حروف است و قدما با توجه بدین اصل همه کلمه‌های مرکب و علاماتی از قبیل می و پیشوندهایی از قبیل بی‌وهم، و یسوندهایی مانند کین در اندوه‌گین را جدا می‌نوشته‌اند و بدین ترتیب درد بی‌اعرابی را تا حدی درمان می‌کرده‌اند. این امر در خواندن کلمه و فهم معنی بسیار تأثیر داشت، ولی بعدها این شیوه متروک گردید و اخیراً در زمان ما به سبب سهل‌انگاری و نبودن ضابط، نوشته‌هایی این چنین رایج شده: اینجانب، وزارت فرهنگ، شرفصدور، دانشسرای عالی، اینستکه (یا این استکه، اینست که، این است که) که نظایر اینها (اتصال مضاف الیه به مضاف، و صفت به موصوف، فعل به حرف ربط) در هیچ زبانی سابقه ندارد.

اما در شیوه خطی که سال گذشته به تصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است در مورد مرکبات اصل بر اتصال گذاشته شده، و این امر با توجه به مسئله اعراب اشکالاتی پیش آورده است، پیداست که در ترکیبی مانند «کم عمق» در صورتی که دو جزء نزد یکدیگر و بلافاصله نوشته شود از نظر آشنایی خواننده به هر یک از این دو جزء، ترکیب خوانا و فهم آن آسان‌تر است ولی در صورت اتصال ناخوانا می‌شود و قرینه‌ای که برای مضموم بودن عین بود (انفصال و استقلال کلمه) از میان می‌رود، به همین جهت است که اصولاً در ترکیباتی که حرف اول جزء دوم متحرک است این اشکال پیش می‌آید و در

کلماتی از قبیل قالبیافی از نظر خواندن اشکال نیست ( اگرچه در این مورد نیز باید جدا نوشت ).

در این مورد سخن بسیار است خلاصه آن که من نیز معتقدم که نظر آقای حبیب یغمایی با اصول مسلم خط و زبان فارسی کاملاً منطبق است و در نوشتن ترکیبات باید اصل بر انفعال باشد (چنانکه در برخی از آنها طبعاً به سبب وجود حرف منفصل، جدا نوشته می شود) ، ولی مهم این است که در نوشتن و چاپ باید دقت کرد که این گونه ترکیبات نزدیک هم و بی فاصله قرار گیرند تا موجب اشتباه نشود چنانکه در خود مجله یغما با مراقبتی که می شود اشکالی بیش نمی آید ، و نیز برای رفع اشتباه در کلماتی نظیر : دم خریده ، صاحب دل ، دم برک ، صاحب دیوان ، صاحب جاه ، صاحب منصب ، غلام گردش ، گاه گاه و امثال آن سکونی روی آخرین حروف جزء اول بگذارند و این سکون علاوه بر آن که مانع « اضافه » می شود می توان آن را علامت ترکیب تلقی کرد ، چنانکه استاد مجتبی مینوی در کلیله و دمنه همین اصل را در بعضی موارد رعایت کرده اند ( کلیله ، مصحح معظم له ، ص ۱۰۱ س ۴ و ۱۱۵ س ۹ و ص ۱۷۴ س ۵ و جز آن ) .

با قبول اصل انفصال باید جدایی کلماتی نظیر دانش مند و دانش گاه و باش گاه را تحمل کرد تا از فواید داشتن ضابطه ای معقول بهره مند شد ، همچنین بر طبق این اصل پسوندها عموماً جدا نوشته می شود سنگین تر ، آسان تر ، پایین تر . اما در این مورد می توان قاعده ای این چنین وضع کرد :

در علامت « تر » اگر کلمه دو حرفی باشد باید متصل نوشته شود . بهتر ، که تر و ... « می » بر طبق روش قدما همه جا جدا از فعل نوشته شود . می آید ، می اندازد ، می رود . در مورد « ها » علامت جمع نیز عموماً جدا نوشته شود ( چنانکه در کلمه های مختوم به حرف منفصل طبعاً چنین است ) . کتاب ها ، عقل ها ، ترکیب ها ، همبستگی ها ( همبستگیها ) .

نوشتن « به » :

جدا نوشتن « به » در خوانایی کلمه بسیار مؤثر است و در بسیاری از جاها رفع اشتباه

و التباس می کند : به او (باو) - به استاد (که با استاد خوانده می شود) به ازاء (بازاء) به انوار (با انوار) به اثبات (باثبات) به افسون (با افسون) بهری (بری) به یمن (بیمن) به شش (بشش) به اصلاح (باصلاح) .

و جدا کردن «به» با توجه به اصل پهلوی آن که «پت» است لطمه ای به اصول زبان فارسی نمی زند و در متون قدیم فارسی نیز در مواردی به صورت منفصل دیده می شود، از جمله در يك نسخه خطی گلستان چنین نوشته شده : به پنجاه راضی کردند - در آرد طمع مرغ و ماهی به بند - و به نیشی خوردم . و نیز در نسخه خطی راحة الصدور و کتابهای دیگر گاهی بطور منفصل درج شده (رجوع شود به یادداشتهای قزوینی ج ۴ ذیل به )

باید توجه کرد که در زبان فارسی تنها در سه مورد « به » با تلفظ «ها» خوانده می شود یکی به معنی میوه و دیگری به معنی خوب و سومی در مقام تعریف و تحسین و تعجب که به فتح اول است و غالباً تکرار می شود (به به) و این سه مورد به قرینه کاملاً روشن می شود و می توان آن را با سکونی مشخص کرد .

نیز یاد آور می شوم که علمای فن در بعضی موارد به جدا کردن «به» حکم کرده اند (رجوع شود به مقاله مرحوم احمد بهمنیار در مجله فرهنگستان شماره ۴) از جمله در آغاز اسم خاص : به داود (بداود) به کیخسرو (بکیخسرو) و مانند : به ویتنام (بویتنام) و نیز در صورتی که کلمه زشت باشد یا بامتصل نوشتن اشتباه به سین یا شین شود مانند به پیوند - به تفنن . به بینندگان .

با توجه به مطالب بالا در مورد «به» دوره در پیش است :

یکی اینکه باء تأکید (همچنین نون نفی فعل) عموماً بچسبند ، چنانکه سایر علامات فعل و ضمائر شخصی می چسبند (برف ، برو) و «به» حرف اضافه نیز (جز در موردی که با کلمه بعدی صفت می سازد . بخرد ، بنام) جدا نوشته شود ، حتی در کلمات بخصوص ، بویژه ، بعلاوه بموقع ، بسزا ، که باید چنین باشد : به خصوص ، به ویژه ... حسن این قاعده این است که شاگرد دبستانی نیز می تواند موارد آن را تشخیص دهد. دوم اینکه مطابق قواعدی که نگارنده تدوین کرده ام عمل شود، این چنین:

الف - «به» در موردی که برای تأکید فعل باشد عموماً متصل نوشته شود :  
برفت، برو ، بیفکند ، بینداخت .

ب - «به» حرف اضافه در چند مورد باید چسبیده نوشته شود :

۱ - در صورتی که با کلمه بعدصفت درست کند: بخرد (= باخرد) بنام (مشهور)  
بجا (کاربجا) بسزا (کار بسزا) بهش (= باهوش)

۲ - در صورتی که با کلمه بعدی قید درست کند: بموقع ، بخصوص ، بجا ( این کار را بجا و بموقع انجام داد) بسلامت ، بسختی ، بشدت ، بآسانی . بویژه ، بوضعی ، بروز ، باندازه ، بطوری ، بسرعت ، بکندی ، بنحوی ، بصورتی ، بشتاب ، بندرت ، بحق ، بناحق ، برایگان ، بضرورت، بناگاه ، بدرستی ، براستی.

۳ - در کلمات بجز، بغیر، وتر کیبانی که صرفاً عربی هستند مانند ما بازاء، بلا تکلیفی بلا فصل ، بلا معارض ، بلا شرط ، که عموماً «به» باید متصل باشد .

۴ - در کلمات بدین ، بدان ، بدو ، بدیشان ، بدینان ، بدانان نیز متصل است و «د» از «ب» جدا نیست .

۵ - در صورتی که یکی از اجزای ترکیب دهنده فعل مرکب باشد : بکار آمدن ، بسر آمدن ، بوجود آمدن ، بکار رفتن بکار انداختن ، بسر رسیدن ، بدر رفتن ، بدر آمدن ، بپاخاستن ، بجاء آوردن - بخواب رفتن - بدتیا آمدن - بشمار آمدن بعمل آمدن - بمعده داشتن ، بمعده گرفتن . . .

ج - در موارد دیگر غیر از موارد بالا عموماً «به» جدا نوشته شود .

یادداشت‌های نگارنده درباره شیوه خط فارسی بیش از این است که نوشته شد ، در صورتی که از طرف مجله نظریات اهل فن خواسته شود من نیز نظر خود را به تفصیل در همه موارد می‌نگارم .

مجلهٔ نیما برای درج نظریات دانشمندان و تعلیم‌دهندگان زبان در موضوع رسم خط فارسی همواره آماده است . امیدست پراز استقصاء و پژوهش تمام ، و سنجش عقاید ، دستورهای قطعی و کلی فراهم آید و در جزوه‌ای جداگانه منتشر شود .